

یکشنبه **۲۳ آبان ۱۳۹۵** • سال چهاردهم • شماره ۲۲۲۸ • ۹

شرق روزنامه

نگاه

برای پیوند عضو به چین سفر نکنید!

هادی فیروزی؛ در بسیاری از کشورها «توریسم پیوند عضو» به دلیل مسائل انسانی و اخلاقی، پدیده‌ای زشت و مذموم به حساب می‌آید. معنای توریسم پیوند عضو، سفر به کشورهای دیگر برای دریافت عضو است. به گفته سازمان بهداشت جهانی، کشورهای چین، فیلیپین، پاکستان، مصر و کلمبیا از این نظر بدترین‌ها هستند. اما دراین‌میان چین وضع متفاوت و نگران‌کننده‌ای دارد. در چین دریایی از عضو پیوندی وجود دارد. منبع این میزان عضو چه کسانی هستند؟ زمان انتظار برای پیوند عضو در چین فقط چند روز است و در مواردی حتی کمتر از یک روز است. درحالی‌که در دیگر کشورها باید ماه‌ها در نوبت انتظار بود. سود سرشار ناشی از فروش اعضای بدن باعث شده زندانیان عقیدتی و سیاسی در چین قربانی تجارت سیاه اعضای بدن شوند. طبق شواهد و مدارک، حزب کمونیست چین نزدیک به ۲۰ سال است که به وسیله بیمارستان‌ها، زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری اقدام به برداشت اندام حیاتی بدن صدها هزار انسان زنده کرده و این‌گونه باعث قتل آنان شده است. مسلمانان اویغور، ساکنان تبت و زندانیان سیاسی بخشی از قربانیان هستند. اما عمده قربانیان کسانی بوده‌اند که روش معنوی فالون‌گونگ را تمرین می‌کرده‌اند. هرچند حکومت چین ماجرا را تکذیب می‌کند، اما شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد برداشت سازمان‌یافته اعضا متوقف نشده است. فالون‌گونگ که یکی از روش‌های مراقبه و تزکیه چینی است، از دهه ۱۹۹۰ به دلیل فواید چشمگیر در بهبود سلامت روحی و جسمی، محبوبیت زیادی پیدا کرد. اما حزب کمونیست چین که نگران شد گسترش این روش معنوی باعث حذف باورها و ایده‌های کمونیستی شود، از سال ۱۹۹۹ آزار و سرکوب شدید آن را پیش گرفت. رهبر حزب کمونیست، «جیانگ زمین» دستور داد «آنها را از نظر مالی ورشکست کنید، خوش‌نامی‌شان را از بین ببرید و جسم‌شان را نابود کنید». بنابراین هزاران نفر از آنان بازداشت شده، به قتل رسیدند یا مفقود شدند. سابقه سرکوب روش‌های معنوی در چین به دوران انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. میلیون‌ها تمرین‌کننده فالون‌گونگ، مانند اقلیت مسلمان، ساکنان تبت و مسیحیان چین، به خاطر باورهایشان با آزار حزب کمونیست روبه‌رو شدند. آمار می‌گوید در چین، تعداد عمل‌های پیوند عضو از سال ۱۹۹۹ به شکلی غیرطبیعی افزایش داشته و تعداد مراکز پیوند نیز رشد عجیبی داشته است، یعنی درست از زمانی که بازداشت غیرقانونی تمرین‌کننده‌های فالون‌گونگ آغاز شد. دولت چین چند سال پیش به استفاده از اعضای بدن اعدامی‌ها اقرار کرد، اما با رجوع به آمار عفو بین‌الملل درباره اعدام‌ها، دیده می‌شود تعداد عمل پیوند، ده‌ها برابر بیشتر از تعداد اعدام‌ها بوده است. سهم اهدای دواطلبانه و بیماران مرگ مغزی هم کمتر از دو درصد است. منبع بزرگ برای تأمین عضو چه کسانی هستند؟

گزارش‌هایی مستند ونگان‌دهند

«اندام‌های دولتی» کتابی است که از سوی گروهی از پزشکان سرشناس حوزه پیوند در کانادا منتشر شده و مشارکت دولت چین در تجارت سیاه اندام را بررسی کرده است. دکتر «رئو کاپلان»، مدیر مرکز اخلاق پزشکی دانشگاه پنسیلوانیا، در این کتاب گفته است زندانیان چینی قربانی برداشت اعضا هستند. دو حقوق‌دان کانادایی نیز به نام‌های «یوید مائاس» و «یوید کیلگو» پس از تحقیقی گسترده، گزارشی به نام «محصول خونین» شامل ۵۲ مدرک معتبر را منتشر کردند که نشان می‌دهد حزب کمونیست از سال ۱۹۹۹، از طریق سرت اعضای بدن، تعداد بسیار زیادی از تمرین‌کننده‌های فالون‌گونگ را به کام مرگ فرستاده است. روزنامه فیکارو نیز به‌تازگی در گزارشی برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان زنده فالون‌گونگ به وسیله حزب کمونیست را تأیید کرده است. نشریه نیوزویک، در ژوئن ۲۰۱۶، گزارشی با عنوان «آیا چین هنوز اعضای بدن زندانیان سیاسی را برمی‌دارد؟» منتشر کرد. نیویورک تایمز هم در اگوست ۲۰۱۶ به نقل از رئیس انجمن جهانی پیوند اعضا نوشت برداشت اعضای بدن زندانیان چینی در چین جهانیان را به وحشت انداخته است. مجله ویکی‌استاندارد برآورد می‌کند هزاران تمرین‌کننده روش معنوی فالون‌گونگ، قربانی تجارت سیاه اعضای بدن در چین شده‌اند. در جولای ۲۰۱۵ «یوید مائاس»، نویسنده «محصول خونین»، به گزارشگر روزنامه «استرالین» گفت: «این جریان هنوز در حال وقوع است. افرادی که امروزه از زندان‌های چین آزاد می‌شوند، هنوز درباره آزمایش‌های خون صحبت می‌کنند. «مانفرد نواک»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور شکنجه و «اسما گنجانگیر»، فرستاده ویژه سازمان ملل در آزادی مذاهب، در گزارش‌هایی وقایع گفته شده را تأیید کرده‌اند.

شاهدان عینی، گواهی برحقیقت تلخ

نخستین شاهد همسر یک جراح در بیمارستان «سو جیاتون» در شهر «شیانگان» بود. این خانم گفت همسرش، در دو سال، حدود دو هزار قربنیه را خارج کرده است. هیچ‌کدام از قربانیان زنده نماندند، زیرا جراحان دیگر سایر اندام را خارج می‌کردند. در ضامئم ۱۶ و ۱۸ «محصول خونین» گفت‌وگو با این شاهد، آمده است. پزشکی از ارتش چنین تأیید این شاهد مدعی شد دست‌کم در ۳۶ اردوگاه کار اجباری، چنین جنایاتی در حال وقوع است. پیش‌تر از آن واشنگتن‌پست، گزارشی درباره یک جراح چینی منتشر کرد که در این اعمال دست می‌کنند. «مانفرد نواک»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور شکنجه و «اسما گنجانگیر»، فرستاده ویژه سازمان ملل در آزادی مذاهب، در گزارش‌هایی وقایع گفته شده را تأیید کرده‌اند.

نخستین شاهد همسر یک جراح در بیمارستان «سو جیاتون» در

یادداشت

ترامپ زن‌ستیز و آرای زنان

فائزه تُولُکی؛ دونالد ترامپ، کاندیدای حزب جمهوری‌خواه در انتخابات تاریخی آمریکا، در تاریخ معاصر توانست از رقیب خود خانم هیلاری کلینتون کاندیدای، حزب دموکرات، پیشی گیرد و به مقام ریاست‌جمهوری دست یابد.

این میلیاردر نیویورکی که با حمایت حزب جمهوری‌خواه در همه دوران تبلیغات انتخاباتی به دلیل مواضع و اظهاراتش علیه زنان، به عنوان زن‌ستیزترین نامزد انتخاباتی تاریخ آمریکا تاکنون شناخته شده، به کمک مشاورانش، از وجود همسرش برای تعدیل و لطیف نگاه زنان آمریکایی نسبت به خود استفاده و بهره برد. طبق نظرسنجی‌ها، از هر سه زن آمریکایی، یک نفر به ترامپ حس خوبی نداشت! بنابراین سخنان او از دورانی که به تاجری مشهور بدل شد، آغاز شد و اوج آن به توهین رکیک به «هیلاری کلینتون» و «مکین کلی»، مجری شبکه فاکس‌نیوز، ختم شد. وقتی در یکی از مناظرات، کلی از او خواست درباره استفاده از واژه‌هایی مانند خوک، سگ و دیگر حیوانات در حق زنان توضیح دهد، ترامپ پاسخ داده بود منظور او فقط «ریز اودانل» (کم‌دین تلویزیونی که پیش از این ترامپ را مسخره کرده است، پس از آن مناظره، او، کلی را غیرحرفه‌ای و بی‌سواد خواند و از او خواست درباره خود تجدیدنظر کند. واقعیت آن بود که ترامپ در کارنامه‌اش سابقه توهین به زنان را داشت. انتظار می‌رفت واکنش‌ها و بازتاب‌های منفی به اظهارات خفیف و رکیک جنسی ترامپ درباره زنان در ریزش آرای دونالد ترامپ تأثیر بگذارد. در زیر به برخی دیدگاه‌های رئیس‌جمهوری جدید آمریکا درباره زنان اشاره می‌شود:

در یکی از صحبت‌هایش در سال ۱۹۹۱ چنین گفته بود: «اهمیتی ندارد زنان درباره یک مرد تا زمانی که جذاب است و توانایی جذب زنان را دارد، چه فکری می‌کنند. این زن است که باید فکری به حال خود کند. او همیشه مدت‌عده حفظ جوانی و زیبایی خود را دارد!» در یکی دیگر از صحبت‌هایش درباره خانمی که وکیل و از نیروهایش بود و با تسلیم گواهی دکتر از او درخواست مرخصی برای شیردادن به فرزند سه‌ماهه خود را کرد، گفت: «تو نفرت‌انگیزی!». با این سخنان نشان داده بود مقام زن در حیطه مادری برایش اهمیت ندارد و کوچک‌ترین احترامی برای نوزادان آمریکایی نیز قائل نیست؛ نوزادانی که نسل آتی آمریکا در دست آنان خواهد بود. او در توییتی، به «کریستین استوارت»، بازیگر هالیوود، توهین کرد: «بهتر است رابرت پتینسون دیگر به کریستین استوارت فکر نکند. این دختر، مثل سگ به او کلک زد و باز هم خودش زد و شما هم شاهد خواهید بود. حیف رابرت!». نگاه او به خانم استوارت به عنوان زن بازیگر یکی از پردرآمدترین صنعت‌های رسانه‌ای یعنی هالیوود، نشان از حقیردانستن نقش زنان در حوزه هنر است. انتشار فایل‌های صوتی از مصاحبه‌های ترامپ با برنامه رادیویی «هوارد استرن» پس از افشاگری اخیر

در سال‌های اخیر بودند کسانی که تکرار می‌کردند سیاست آمریکایی شبیه آن چیزی است که سریال «خانه پوشالی» (ورسینو آمریکایی‌اش) به تصویر کشیده است، اما حقیقت امر نشان داد سیاست آمریکایی همان برنامه‌های تلویزیونی عامه‌پسندی است که ترامپ با جمله مشهور «تو اخراجی!» از جعبه پاندورایش بیرون جعبیده است. هندوهای افرایمی می‌توانند در هندوستان شادمانی کنند و کیم جونگ اون با «دنیس رادمن» شامپاین شادمانی بنوشد اما برای بسیاری که در این سال‌ها به هر قیمتی در صف‌های سفارت آمریکا در دوی، ایروان یا آنکارا به دنبال ویزای ورود به ایالات متحده آمریکا ایستاده بودند، چیزی جز یک شوخی نیست که شاید حداقل برای آنها تا مدتی خنده‌دار نباشد.



عکس AP

تن نیمه‌جان جهانی شدن

فرشید جعفری ـ استادیار روابط بین‌الملل

حامیان صلح بین‌المللی از این پس، ناکامی و شکست را تجربه نخواهند کرد. تفسیرها و معانی مختلفی از جهانی‌شدن عرضه شده است. برخی آن را در چارچوب مفهوم وابستگی متقابل اقتصادی تفسیر می‌کنند. جهان در این معنا مانند تار عنکبوتی است که با ارتعاش یک تار، سایر تارهای به‌هم‌پیوسته نیز به ارتعاش در خواهند آمد. هر نوع حادثه‌ای برای هر دولتی سایر دولت‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

هیچ دولتی نمی‌تواند جزیره‌ای خودش را باشد. (رابرت کیوهین، جوزف نای، جیمز روزنا). این وابستگی متقابل هزینه جنگ را برای دولت‌ها بالا برده است. نظامیگری دیگر در اولویت اول دولت‌ها نیست. دولت‌ها دیگر

وقتی رقابت قدرت‌های بزرگ سیاست بین‌الملل برای کسب قدرت بیشتر گرفتار معادله‌ای چندمجهولی می‌شود و کره کوری مناسبات معقول‌شان را می‌بندد، فقط یک راه‌حل برای کشودن این کره کور و حل آن معادله باقی می‌ماند و آن جنگ و مناقشه است. نتیجه جنگ، دگرگونی است، یعنی آغاز زندگی جدید برای آدمیانی که در چارچوب مرزهای متعارف ملی خویش به نام دولت می‌زیند

دولت‌های نظامی نیستند؛ آنها به دولت‌های تجاری تغییر یافته‌اند (ریچارد روزکرانس). برخی دیگر معتقدند به‌طور هم‌زمان جدالی میان جهانی‌شدن و محلی‌شدن وجود دارد، اما در نهایت پیروز این کارزار، جهانی‌شدن است (جیمز روزنا). عده‌ای دیگر براساس نگاه سیستمی، این ایده را مطرح می‌کنند که روابط بین‌الملل یک نظام است که اجزایی به نام دولت‌ها دارد، اما در این معنا نظام بین‌المللی بر دولت‌ها تقدم دارد و جهانی‌شدن در سیستم بین‌المللی ساختاری را فراهم کرده که اراده را از دولت‌ها ستانده و آنها را چاره‌ای جز ت‌ردادن به قواعد بازی آن نیست.

همه‌چیز برای پرزیدنت ترامپ

اینکه تصور می‌شد یک جنگ‌سالار فاسد و قدرت‌طلب همچون هیلاری کلینتون که مغرور بسیاری از مردم آمریکا است بر کاندیدای مردم معمولی و صد البته طبقه متوسط آمریکا و ۹۹درصدها یعنی «برنی سندرز» در مقابل ترامپ ارجحیت داشت، نتیجه‌اش این چیزی است که همگان می‌بینند آن‌هم هنگامی که به قول خود آمریکایی‌ها، وقتی این شانس تاریخی بیش از هر زمانی به واقعیت نزدیک شده بود که به جای مهاجرت به کانادا در صورت پیروزی دونالد ترامپ، بتوان درعوض از آمریکا کاندادایی دیگر ساخت. این فرصت برای چهار سال از دست رفته است و لابی‌های پشت‌پرده حزب دموکرات قطعا درسی نخواهند گرفت و همچنان ز و حداقل مشی‌ای مستقل را دنبال کنند و جدای از لیخند کارخانه‌های اسلحه‌سازی توافق کرده و دست به قمار می‌زنند.

آمریکای پس از ترامپ به هیچ عنوان بنا ندارد جهان را به یک پایان آخ‌الزمانی بکشانند چون اصولا سیاست آمریکایی این‌گونه ایجاب نمی‌کند اما مردم خاورمیانه می‌توانند نفسی از آسودگی بکشند که شیخ جنگی بی‌پایان (آن‌گونه که هیلاری کلینتون وعده به سرمایه‌گذاران تسلیحات نظامی داده بود)، از سرشان حداقل برای مدتی برداشته می‌شود و وزیر خارجه جدید ایالات متحده هرکسی که باشد دیگر از تضمین جانی جبهه النصره در حلب سوریه دم نخواهد زد. آمریکای دونالد ترامپ احتمالا از دیگر جهان دورتر خواهد شد و اتحادیه اروپایی، آسه‌آن و دیگر اتحادیه‌های این منطقه‌ای دیگر منافع خودشان را به کشوری که چنین کسی را به ریاست برگزیده است، کره نخواهند زد و حداقل مشی‌ای مستقل را دنبال کنند و جدای از لیخند رضایت مرد قدرتمند کرملین، رجب طیب اردوغان هم می‌تواند به‌راحتی آخرین بندهایش را از کشوری که رهبر کنونی‌اش از کودتای ناموفق ترکیه حمایت ضمنی کرده بود، رها کند.

در میانه همین حوادث است که احتمالا شبکه «براوو» می‌تواند یک «ریالیتی شو» جدید را با محوریت کاخ سفید برنامه‌ریزی کند و شاید

آرمان‌ها و رؤیاهای بشری در سیاست بین‌الملل محصول آغازها و شروع‌ها در این عرصه مبهم و پیچیده است. این آغازها نتیجه تغییراتی بنیادین در ساختار سیاست بین‌الملل است. پدیده «تغییر» به‌سهولت در سیاست بین‌الملل حادث نمی‌شود و بستر و مقدمات تغییر را معمولا قدرت‌های بزرگ فراهم می‌کنند.

وقتی رقابت قدرت‌های بزرگ سیاست بین‌الملل برای کسب قدرت بیشتر گرفتار معادله‌ای چندمجهولی می‌شود و کره کوری مناسبات معقول‌شان را می‌بندد، فقط یک راه‌حل برای کشودن این کره کور و حل آن معادله باقی می‌ماند و آن جنگ و مناقشه است.

حقیقت و تراژدی غم‌انگیزی که گریزی از آن نیست (جان میرشایمر)، نتیجه جنگ، دگرگونی است، یعنی آغاز زندگی جدید برای آدمیانی که در چارچوب مرزهای متعارف ملی خویش به نام دولت می‌زیند. اما این آغازها آفت بزرگی را همراه خود دارند و آن چشم‌پستن از واقعیت‌ها و گرفتار آمدن به آرمان‌ها و خیال‌پردازی‌هاست. اصولا شروع هر کاری با آرمان آغاز می‌شود (ای‌اچ‌کار). یعنی همان رخدادی که از فردای فروپاشی یکی از قدرت‌های بزرگ سیاست بین‌الملل در شروع دهه ۹۰ میلادی حادث شد و مردمان جهان آغاز دیگری را رقم زدند و به‌این‌ترتیب اسیر آرمان و خیال دیگری شدند.

این آرمان و خیال در چارچوب مفهوم «جهانی‌شدن» نمود پیدا کرد؛ مفهوم و آرمانی که به مدت یک دهه بازیگران سیاست بین‌الملل را در مشغول خود کرد. پوششی از آرمان جهانی‌شدن بر سطح روبین سیاست بین‌الملل کشیده شد و دولت-ملت‌ها در خیال خود باور کردند از این پس جهانی‌شدن جزء لاینفک جامعه جهانی است.

با این مفهوم، گویی پاسخی مستدل به این پرسش کتاب بزرگ سال‌های قبل از جنگ‌های جهانی یعنی «توهم بزرگ» یافته‌اند که چرا حامیان صلح شکست می‌خورند؟ (نورمن انجل). با پدیده جهانی‌شدن این‌گونه القا شد که

سپاوش رزمند؛ در جولای امسال هنگامی که کنوانسیون ملی حزب دموکرات «برنی سندرز» و هوادارانش را خراب‌کارانه مجبور به سکوت می‌کرد، شاید هیچ‌گاه تصور نهم نوامبر و رئیس‌جمهورشدن «دونالد ترامپ» را نمی‌کرد. نظرسنجی‌ها در بدترین شرایط هم بخت را با هیلاری کلینتون می‌دیدند. جان الیور در آخرین برنامه «هفته پیش امشب با جان الیور» پیش از انتخابات، فلاش‌بکی به دوره گذشته انتخابات و قصد ترامپ برای کاندیداتوری زد که الیور خطاب به او گفته بود حتما این‌کار را انجام دهد، چراکه دیگر از نظر سؤزه او و دیگران کم یا کسری‌ای نخواهند داشت.

جدای از اینکه تصور ملانیا به عنوان بانوی اول آمریکا، به خودی خود بسیار خنده‌دار خواهد بود و احتمالا «کریس کریستی»، «رودی جولیان» و «بن کارسون» جزء حلقه اجرایی ترامپ خواهند بود که آخرین نام آن‌گونه که خود گفته است، روابط بسیار نزدیک و ماورایی با شخص مسیح داشته است، اما این میلیارد نیویورکی با توجه به اینکه حتی یک روز منصبی سیاسی را در اختیار نداشته است، نه در رقابتی نزدیک که با فاصله‌ای تقریبا تحقیرآمیز، هیلاری را از راهیایی به کاخ سفید باز داشت. کاخ سفید به‌زودی تبدیل به مکان پررفت‌وآمدی برای خانواده برجمعیت پرزیدنت ترامپ خواهد بود. اگر مادر ترامپ «مری مک‌لید» امروز زنده بود حتما از خنده روده‌بر می‌شدیم آن‌هم هنگامی که با لهجه غلیظ اسکاتلندی‌اش با شعف می‌گفت: «دونالد کوچولو می من با دستان کوچکش موجب افتخار است». اوایما اشتباه کرد و کسی که نمی‌توانست حتی حساب توییتری‌اش را کنترل کند هم‌اکنون اختیار کلیدهای بزرگ‌ترین تسلیحات اتمی جهان را در اختیار دارد و مردم آمریکا هم به‌راحتی می‌توانند به اوایما یادآوری کنند که: در دموکراسی «ما» تنها «ما می‌توانیم» هرکسی را که بخواهیم به کرسی ریاست بنشانیم حتی یک تاجر معاملات ملکی از کونیزر را بدون کوچک‌ترین سابقه مستقیم سیاسی.